

# تأملی در اشعار «پابلو نرودا»

27 فروردین 1401

زندگی در جهان امروز به لطف نگرانی‌ها از بابت شیوع پاندمی کرونا و از سویی دغدغه‌های اقتصادی چندان آرام‌سپری نمی‌شود، از همین بابت رجوع به ادبیات، بویژه شعر قادر است بخشی از این سرگستگی روح‌مان را آرام سازد.

کرونا با وجود همه بدی‌ها و مشکلاتی که ایجاد کرد تا اندازه قابل‌توجهی سبب افزایش توجه مردم به تولیدات فرهنگی – هنری شد. در این بین آن‌طور که خود فعالان این عرصه‌ها و از سویی متولیان می‌گویند، سهم کتاب در سید کالاهای فرهنگی خانواده بیش از سایر تولیدات هنری بوده است. این عادت تازه‌ای که میان برخی از مردم شکل گرفته و آنان را به جمع کتابخوان‌ها اضافه کرده اتفاق بسیار خوبی است که با برنامه‌ریزی‌های هدفمند می‌تواند ماندگار شود؛ اما بگذارید از تجربه‌ای که این روزها کسب کرده‌ام بگویم. من پیش‌تر نیز شعرهای «پابلو نرودا» را خوانده بودم، آشنایی‌ام با اشعار وی اتفاق تازه‌ای نیست، اما این روزها با تأمل بیشتری سراغ‌شان رفته‌ام و همین سبب شده به نکات جالب‌توجهی درباره سروده‌های این شاعر نوگرا و سیاستمدار شیلیایی پی ببرم. نرودا در کنار شهرتی که به‌عنوان شاعر دارد به فعالیت‌های سیاسی‌اش نیز معروف است، با این حال کارهایی که از وی به یادگار مانده مضامینی برخلاف انتظار معمولی دارند که از یک شاعر دیپلمات می‌رود؛ آن‌هم در شرایطی که می‌دانیم او نقش مهمی در اتفاقات سیاسی شیلی داشته است! «پابلو نرودا» با وجود کمونیست بودن، در اشعارش نگاه جالب‌توجهی به هستی داشته است. تا جایی که فرصت مطالعه مجدد آنها را داشته‌ام، حتی در مواردی شباهت‌هایی میان کارهای نرودا با غزلیات شمس یافته‌ام. شاید در ظاهر، سروده‌های این دو از نظر مضمونی بسیار متفاوت باشند چراکه اشعار شمس بیشتر عاشقانه‌اند و اشعار نرودا دایره موضوعی گسترده‌تری را شامل می‌شود، با این حال هر دو بسیار شورانگیز هستند و از سویی ذهن مخاطب را متوجه برخی سؤالات می‌سازند. از سوی دیگر اشعار هر دو اینها برای مخاطبان در هر دوره‌ای خواندنی و تازه هستند. فارغ از بحث این شباهتی که شاید به نظر برخی چندان ملموس نباشد، اشعار نرودا اغلب درباره طبیعت، جامعه و حتی روابط انسانی است. او توانسته با هنرمندی هر چه تمام‌تر میان مضامینی از این دست ارتباط ایجاد کند. اشعار نرودا را به‌واسطه ترجمه خوانده‌ام، با اینکه طبیعتاً بخشی از روح شعر در ترجمه ناگزیر از بین رفته اما همچنان حاصل کار، آهنگین و بسیار گوش‌نواز است. همین است که مطالعه اشعار نرودا را به مخاطبان توصیه می‌کنم، حتی اگر اهل شعر هم نباشید خواندن آنها روح تازه‌ای به وجودتان می‌دمد که ارزش صرف بخشی از اوقات شبانه‌روزتان را دارد.

ترجمه‌های متعددی از آثار نرودا در دست است، آنهایی که من به تازگی خوانده‌ام کتاب «سفر پرسش» به ترجمه «کیوان نریمانی» از نشر نیلوفر و کتاب «اسپانیا در قلب ما» به ترجمه مشترک «احمد کریمی‌حکاک و فرامرز سلیمانی»، از نشر گویا هستند.

\*منیژه آرمین

